

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، پیاپی ۲۱
صفحات ۱۹۶-۱۸۱

تحلیل موانع کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان کاشان

محسن شاطریان*؛ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
زهرا نصرآبادی؛ کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.
فاطمه منصوریان؛ دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۳/۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۹

چکیده

یکی از مسائل مهمی که بر جغرافیای روستایی ایران تأثیر بسزایی دارد، توجه به کارآفرینی زنان روستایی است. از گذشته تاکنون زنان روستایی با استفاده از کارآفرینی باعث پویایی اقتصادی و فرهنگ جامعه روستایی بوده و جایگاه عملکرد این طیف انسانی و موانع سر راه آن باعث خلق پژوهش مزبور شد. در واقع این تحقیق به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر عدم کارآفرینی زنان روستایی در دهستان گلاب شهرستان کاشان است. روش انجام مطالعه توصیفی-تحلیلی (پیمایشی) و ابزار پژوهش پرسشنامه است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۳۸ نفر در نظر گرفته شد که با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی، آزمون تی، رگرسیون خطی و تحلیل واریانس با کمک SPSS انجام گرفته است. نتایج آزمون همبستگی بیانگر روابط معنادار بین موانع فردی، دانشی، دسترسی به امکانات، محیطی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی-اجتماعی با کارآفرینی زنان روستایی بوده است. در تحلیل رگرسیون نیز عوامل محیطی-جغرافیایی، دسترسی به امکانات، موانع دانشی-مهارتی و موانع حقوقی به ترتیب مهم‌ترین موانعی بوده که وضعیت کارآفرینی زنان روستایی را پیش‌بینی نموده است. نتایج پژوهش نشان داد که عدم کارآفرینی زنان روستایی و عوامل محیطی-جغرافیایی نسبت به سایر عوامل بیشترین تأثیر را داشته و بیشترین میزان کارآفرینی در زنان با تحصیلات کم‌تر و زنان سرپرست خانوار مشاهده شده است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، کارآفرینی روستایی، زنان روستایی، شهرستان کاشان.

*shaterian@kashanu.ac.ir

(۱) مقدمه

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی *Entreprendre* به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است (هزارجریبی، ۱۳۸۴: ۱۳). عمل کارآفرینی اشاره به کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها دارد. این به عبارت دیگر یعنی تولیدات و خدمات یا فرایندهای تولیدی جدید، اشکال سازمانی و راهبردهای جدید، بازارهای جدید برای تولیدات و همچنین درون‌دادهایی که قبلاً موجود نبوده است (جاکرمی و میاندوآب، ۱۳۸۸: ۷۱). بنا به تعریف واژه‌نامه دانشگاهی وبستر، کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازمان‌دهی و اداره کند و بپذیرد. گفته می‌شود که کارآفرینان موتور توسعه اقتصادی بوده و همواره مورد توجه دانشمندان و محققان قرار دارند، به طوری که موسسه‌ی تحقیقات بین‌المللی دیده‌بان جهانی کارآفرینی، تفاوت نرخ رشد را در کشورهای توسعه‌یافته بر اساس سطح کارآفرینی آن‌ها بیان می‌نماید (سلجوقی، ۱۳۸۸: ۶۲-۶۰). کارآفرینی از فعالیت‌هایی است که می‌تواند برطرف کننده بسیاری از چالش‌های عمده (همچون بیکاری، درآمد پایین و فقدان تنوع اقتصادی) در مناطق روستایی باشد و در سایر جنبه‌های زندگی روستائیان نیز تأثیر مثبت نهد. در این میان زنان در کارآفرینی جامعه روستایی نقشی مهم دارند. به همین دلیل کارآفرینی زنان روستایی راهکاری مؤثر در راستای شاخص‌های توسعه مانند توسعه اشتغال و کاهش بیکاری تلقی می‌شود.

زنان روستایی، کارآفرینی را به عنوان کار در مجاورت منزل خود تلقی می‌کنند که این نگرش، استقلال، فقدان وابستگی و کاهش نیاز آن‌ها به حمایت‌های جامعه را موجب می‌شود. همچنین امروزه تقویت کارآفرینی زنان روستایی به لحاظ معقولانه بودن، انسانی بودن و سازگار بودن با محیط زیست اهمیت اساسی دارد (حیدری ساربان، ۱۳۹۱: ۱۶۰). زنان در کشورهای در حال توسعه امید اول برای ارتقای خانواده‌ها و توسعه کشور هستند. موفقیت زنان کارآفرین در این جوامع نه تنها موجب سود اقتصادی گشته، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌کند (Samir, 2003: 2). زنان کارآفرین با موانع بسیار زیادی روبه‌رو هستند و زنان کارآفرین روستایی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در فرآیند کارآفرینی با موانع بسیار زیادی روبه‌رو هستند. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر در عدم کارآفرینی زنان روستایی می‌پردازد.

(۲) مبانی نظری

اصطلاح کارآفرین در معنا و مفهوم فعلی را اولین بار ژوزف شومپتر^۱ به کار برد. وی بر این باور بود که رشد و توسعه اقتصادی در یک نظام، زمانی میسر خواهد بود که افرادی در بین آحاد جامعه با خطرپذیری

^۱ - Schumpeter: اقتصاددان اتریشی - آمریکایی که او را پدر علم کارآفرینی می‌نامند.

اقدام به نوآوری کرده و با این کار روش‌ها و راه‌حل‌های جدید جایگزین راهکارهای ناکارآمد و کهن قبل‌ی شود. با انقلاب و شروع عصر فراصنعتی تفکرات و آرای شومپیتر از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار شد، زیرا کارآفرینان به عنوان عامل و فرآیند تغییر در نظام اقتصادی مورد توجه قرار گرفتند و حجم قابل توجهی از پژوهش‌های مرتبط با آن طی دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ میلادی صورت پذیرفت (سعیدی‌کیا، ۱۳۸۸: ۲۰).

علی‌رغم اینکه کشورهای پیشرفته دنیا از اواخر دهه ۱۹۷۰ و بسیاری از کشورهای در حال توسعه از اواخر دهه ۱۹۸۰ موضوع کارآفرینی را مورد توجه قرار داده‌اند، در کشور ما تا شروع اجرای برنامه سوم توسعه، توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود. حتی در محافل علمی و دانشگاهی نیز به جز موارد بسیار نادر، فعالیتی در این زمینه صورت نگرفته است. مشکل بیکاری و پیش‌بینی حادث شدن آن در دهه ۱۳۸۰ موجب شد که در زمان تدوین برنامه سوم توسعه، موضوع توسعه کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد. در برنامه پنجم توسعه، کارآفرینی در سطح وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن و فلزات و همچنین مؤسسه جهاد دانشگاهی مطرح شده است (منصوری، ۱۳۸۸: ۳۶).

کارآفرینی روستایی نیرویی فرآیندی است که به بررسی بازتولید منابع برای تقاضای ارضا نشده بازار می‌پردازد، یعنی پتانسیلی که می‌تواند تقریباً از هیچ همه چیز بسازد و یا روند خلق ارزش از طریق کنار هم گذاشتن واحدهایی از منابع برای تقویت یک فرصت است (پاسبان، ۱۳۸۳: ۲۸۶). امروزه بزرگترین بلا در جوامع انسانی، به ویژه جوامع روستایی که کانون تمرکز فقرا در کشورهای در حال توسعه‌اند، بیکاری است و فقرا نه تنها قربانی بیکاری، بی‌نظمی و بی‌برنامگی خود، بلکه قربانی شرایط و مقتضیات محیطی نیز هستند. اینک کمک واقعی به فقرا، دستگیری حمایتی به صورت خیریه‌ای از آنان نیست، بلکه تحول در منش و شخصیت آنان است و اینکه بدانند مساعدت‌های خیریه‌ای به آنان امری ضروری نیست. برای کاهش مشکلات فوری بیکاری و توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی باید اقداماتی زیربنایی در جهت تدوین روش‌های جدید سازمان‌دهی کار، متفاوت از استخدام مرسوم و معمول، برای آینده صورت گیرد. امروزه استفاده از توانایی و استعداد درونی روستائیان یکی از شیوه‌های مناسب رسیدن به این هدف است که می‌تواند در قالب کارآفرینی بروز کند (افتخاری و قیداری، ۱۳۹۲: ۲۸).

امروزه برنامه‌ریزان، به‌ویژه اقتصاددانان روستایی دریافته‌اند که مناسب‌ترین راهبرد پاسخگویی به چالش‌ها، به ویژه اقتصادی در مناطق روستایی تشویق روستائیان برای گرایش به تجارت خانگی به شیوه کارآفرینی است. فلسفه بنیادی این نظریه بر این اساس بود که این فعالیت‌ها هم به ایجاد اشتغال منجر می‌شود و یک نوع خوداشتغالی را در سطح جامعه محلی به وجود می‌آورد و هم از این طریق روستائیان می‌توانند تولیدات خود را صادر کنند (افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۹۲: ۲۵).

زنان کارآفرین زنانی هستند که به تنهایی و یا با مشارکت کسب و کاری ایجاد کرده و با قبول خطرات مالی و مسئولیت‌های اجتماعی، اخلاقی، روانی و مالی در اداره امور روزانه شرکت می‌جویند و با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را ایجاد یا گسترش می‌دهند تا در بازار بر رقبا غلبه یابند (لگرد، ۱۳۸۴: ۱۰۳). کارآفرین زن کسی است که نقش چالش‌برانگیز می‌پذیرد و برای رفع نیازهای شخصی خود و استقلال اقتصادی اقدام به کارآفرینی می‌کند (سریتن، ۲۰۱۳: ۵۲).

بررسی‌ها و تحقیقات انجام شده در مورد موانع کارآفرینی زنان در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که سه دسته موانع در مقابل زنان کارآفرین قرار دارد. دسته اول موانعی هستند که برای کلیه زنان و مردان کارآفرین وجود دارد. دسته دوم موانعی است که به دلیل شرایط خانوادگی، اجتماعی و حقوقی در مورد زنان کارآفرین شدیدتر است و دسته سوم که صرفاً موانع زنان کارآفرین است (ملک پور واحمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). پیاکوک معتقد است که از مرحله تبدیل ایده به یک کسب و کار جدید ۱۰ مرحله وجود دارد، اکثر افراد در مرحله سوم با مواجه شدن با موانع مالی و تجربه کاری دست از ادامه کار می‌کشند. به عقیده او اغلب کسانی که در این مرحله از ادامه فعالیت‌های کارآفرینی خودداری می‌کنند، زنان هستند که از تجربه کاری کمی برخوردارند. در این راستا به منظور استفاده بهینه از توانایی‌های زنان و دستیابی به توسعه اقتصادی، سیاست‌مداران با کمک اقتصاددانان و کارگزاران به دنبال ارائه الگویی هستند که نقش کارآفرینی زنان را در توسعه همه‌جانبه به‌ویژه در اقتصاد تقویت نمایند (رنجبریان، ۱۳۹۰: ۹۱). فقدان انگیزه، عوامل اجتماعی، نوع و نحوه کسب و کار، برنامه‌های آموزش از جمله عمده‌ترین موانع زنان کارآفرین روستایی می‌باشد (سریتن، ۲۰۱۳: ۵۲-۵۵). موانع کارآفرینی به خصوص برای زنان روستایی عبارتند از:

موانع فردی: موانعی که برخاسته از محدودیت شخصی و خانوادگی زنان کارآفرین است.

موانع سازمانی: موانعی که مربوط به درون فضای کسب و کار است. این موانع شامل مالی، فیزیکی،

بازاریابی، فروش و منابع انسانی است.

موانع محیطی: موانعی که عمدتاً مربوط به محدودیت‌های کالبدی است.

موانع رفتاری: موانعی که عمدتاً مربوط به محدودیت‌های روانشناختی است.

موانع ایفای نقش: تعارض بین وظایف مختلف با محدودیت‌های زمانی.

موانع اجتماعی- فرهنگی: دید منفی نسبت به زنان در کار.

موانع تحصیلی: زنان به طور نسبی از سطح تحصیلات پایین‌تری نسبت به مردان برخوردارند و

اغلب دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی شغلی دارند.

موانع شغلی: زنان فرصت‌های کم‌تری در بخش رسمی اقتصاد برای پیشرفت مهارت‌های خود

دارند.

موانع زیر بنایی: دسترسی به اعتبار، فن آوری، خدمات و اطلاعات برای زنان مشکل‌تر است.

با توجه به پژوهش‌هایی که در مورد زنان کارآفرین در کشورهای مختلف شده است مشاهده می‌شود که با مشکلات مختلفی روبه‌رو هستند، به عنوان مثال در کشور جامائیکا کارآفرینان زن برای برخورداری از تسهیلات بانکی با مشکلات عمده‌ای مواجه هستند که دلیل اصلی آن به رفتار تبعیض‌آمیز بخش وام‌دهنده و این نگرش که از یک سو سطح تحصیلات زنان پایین بوده و توانایی لازم برای معرفی ضامن را ندارند و از سوی دیگر بسیاری از افراد توانایی زنان را برای انجام امور بروکراسی محدود می‌دانند (شریفی و عادل، ۱۳۸۹: ۵). در پاکستان عدم دسترسی به سرمایه، زمین، محل کسب و کار، آموزش، نگرش‌های ذاتی جامعه مردسالار، عدم تشویق زنان توسط خانواده و کمبود سرمایه اجتماعی، مهمترین موانع پیش روی زنان در توسعه کارآفرینی است (علیدوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۴).

زنان کارآفرین هند با مشکلات زیادی، از جمله ایفای چند نقش هم زمان با هم و مزاحمت‌های شغلی مواجه‌اند. علاوه بر این آنان نیز مانند کارآفرینان مرد با مشکلاتی مانند: نبود آموزش، نظام‌های اداری غیرپاسخگو، مشکلات حقوقی و رقابت روبه‌رو هستند (افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۹۲: ۱۰۹). محققین عوامل مختلفی را در عدم کارآفرینی زنان روستایی دخیل می‌دانند: وندی و چونگ بر این اعتقاد هستند که موانع عمده بر سر راه زنان کارآفرین روستایی عبارتند از طبقه اجتماعی، فضای جغرافیایی، پائین بودن آگاهی، کمبود تقاضا، عدم دسترسی به منابع، انزوای روستا، عدم دسترسی به دانش فنی و ضعف مهارت (وندی و چونگ، ۲۰۰۷: ۴۲-۴۶). کرومیس نبود نهادهای حمایت‌کننده و ساماندهی ضعیف کارآفرینان، پایین بودن سطح تحصیلات، تبعیض در بازار کار و وجود باورهای سنتی و کلیشه‌ای درباره زنان را جزء موانع کارآفرینی زنان روستایی می‌داند (کرومیس، ۲۰۰۶: ۲۴۶-۲۴۳).

کارآفرینی دارای پیامدهای و آثار متعددی است که می‌توان به طور کلی به موارد زیر اشاره داشت:

۱) اثرات اقتصادی: در مطالعات مختلفی به بررسی عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی در کشورهای مختلف از جمله ایران پرداخته شده است (برومند نسب، ۱۳۸۲: ۳۷). در این میان از نظر بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی، کارآفرینی می‌تواند در زمینه‌ی پیشرفت جامعه و رشد اقتصادی به‌عنوان معیاری از آن مثرتر بوده و گسترش آن به افزایش تولید و در نتیجه بالا رفتن سطح درآمد سرانه در جامعه بیانجامد. کارآفرینی به‌عنوان فرایند شناسایی، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها در قالب راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای جدید با هدف ارائه‌ی کالا یا خدمات جدید نقش به‌سزایی در رشد اقتصاد ملی ایفا می‌کند (زالی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱).

۲) اثرات اجتماعی: کارآفرینی اجتماعی از مفاهیم جدیدی است که در دو دهه‌ی اخیر در حوزه کارآفرینی بیشتر رواج یافته است (آراستی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۷). کارآفرینی اجتماعی فرصتی منحصر به فرد را برای به چالش کشیدن زمینه‌های مختلف مدیریت و کسب و کار فراهم کرده است (Marti & Mair, 2006: 37) و الگویی (پارادایمی) نوآورانه است که با روش ابتکاری به‌منظور حل مشکلات

اجتماعی، تغییرات اجتماعی و رفع نیازهای اجتماعی در یک سیستم فعالیت می‌کند (Chowdhury & 496: 2012, Pache) و در بافتی پیچیده از عوامل احاطه کننده جامعه در سطح محلی و جهانی توسعه می‌یابد (6: 2014, Razavi).

۳) اثرات دانشی: فعالیت‌های کسب و کار در کشور را می‌توان منبعی برای خلق دانش در جامعه شمرد. توسعه‌ی محصولات و خدمات جدید در این کسب‌وکارها منبع خلق دانش است. در فرایند توسعه‌ی محصولات جدید، از مرحله‌ی تولید ایده تا پرتاب محصول به بازار، خلق دانش جدید را می‌توان زمینه‌ی اصلی فعالیت‌ها دانست (253: 1998, Grover & Madhavan). مطالعات انجام یافته‌ی اسمیت و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که نرخ معرفی محصولات و خدمات جدید، تابعی از توانایی سازمان‌ها برای ترکیب و مبادله‌ی دانش است (Smith et al, 2005).

۴) اثرات جغرافیایی: کارآفرینی با توجه به فضای زندگی موجب بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آنان برای بهره‌وری عظیم ملی می‌شود. این منابع ممکن است جزء منابع ملی عمده باشند و یا استفاده از منابع خرد پیرامون سکونتگاه‌ها باشد که کارآفرینان آنها را در جهت تشکیل سرمایه‌های بزرگ و ایجاد مؤسسات تولیدی و خدماتی هدایت می‌کنند و این امر منجر به توسعه فضایی خواهد شد (بارگاهی، ۱۳۹۲: ۳۷).

درباره کارآفرینی روستائیان مطالعات چندی صورت گرفته است. صفری علی اکبری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی پیرامون تحلیل عوامل زمینه‌ساز ایجاد و رشد کارآفرینی روستایی در بخش دهدز شهرستان ایذه به این نتیجه دست یافته‌اند که عوامل اقتصادی در سکونتگاه‌های روستایی برای ایجاد انواع کارآفرینی از جنبه‌های مختلف نسبت به عوامل اجتماعی وضعیت بهتری داشته است. همچنین بررسی خصوصیات مردم از نظر کارآفرینی نشان می‌دهد که سه شاخص خلاقیت، ریسک‌پذیری و استقلال در بین مردم از وضعیت خوبی برخوردار بوده و سه شاخص انگیزه پیشرفت، تولید محصولات جدید و تبدیل ایده خلاق به ثروت در سطح متوسطی هستند. سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تحلیل نقش کارآفرینی فعالیت‌های غیرکشاورزی در ارتقاء کیفیت زندگی روستائیان مورد: روستاهای بخش شاندیز شهرستان بینالود به این نتیجه رسیده‌اند که در مجموع، کارآفرینی فعالیت‌های غیرکشاورزی تأثیرات مثبت و معناداری را در مؤلفه‌های هر سه بعد اقتصادی (مؤلفه کیفیت تولید بیشترین تأثیرگذاری با ضریب بتای ۰/۳۰۸)، اجتماعی (دسترسی با ضریب بتای ۰/۱۹۴) و محیطی (کاربری اراضی زراعی مرغوب با ضریب بتای ۰/۱۸۶) را در کیفیت زندگی دارد. بنابراین، فعالیت‌های کارآفرینی انجام شده در منطقه بین نمونه‌های مورد مطالعه منجر به تغییر کیفیت زندگی روستائیان شده است.

خانی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان تحلیل جنسیتی در فرآیند پخش کارآفرینی در مناطق روستایی مورد دهستان سولقان انجام داده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که فرآیند پخش کارآفرینی در بین زنان و مردان تحت تأثیر عوامل درونی مانند نقش مسئولیت های خانه و خانواده و شرایط فردی و شخصیتی و همچنین عوامل بیرونی مثل وضعیت مالی و اقتصادی متفاوت است. علاوه بر آن عوامل نهادی و سازمانی و عوامل قانونی و حقوقی نیز بر این فرایند تأثیر می گذارد و به همین ترتیب ویژگی های خانوادگی، ویژگی های اجتماعی- فرهنگی جامعه و عوامل جغرافیایی و محیطی نیز فرآیند پخش کارآفرینی را در بین زنان و مردان متفاوت می سازد.

گلرود (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایران، نشان داد که زنان کارآفرین با شبکه اولیه ارتباطی، رابطه قوی دارند و مسائل محیطی کشور، شرایط مساعد و سوق دهنده- ای برای توسعه کسب و کار زنان محسوب نمی شود و در نتیجه زنان ایرانی در توسعه کارآفرینی با موانع محیطی جدی روبه رو هستند. نتایج پژوهش انصاری و نبی پور حقیقی (۱۳۸۹) با عنوان موانع توسعه کارآفرینی زنان نشان داد که زنان در راه اندازی یا توسعه کسب و کار خود، بیش از موانع فردی با موانع سازمانی - محیطی مواجه بوده اند. از بین پژوهشگران خارجی نیز کوراتکو و هاجتس^۱ (۲۰۰۱) ایجاد یک کسب و کار کارآفرینانه در روستا توسط زنان را نتیجه عوامل سازمانی، ویژگی های فردی و فراهم بودن تسریع کننده های کسب و کار دانسته اند.

ارتوبی^۲ (۱۹۹۳) در پژوهشی درباره زنان کارآفرین به این نتیجه رسیده است که زنان کارآفرین در فعالیت های شغلی، میزان مخاطره پذیری خود را متوسط ارزیابی می کنند و بیشتر از کسب سود به موفقیت خود اهمیت می دهند. بروکهاوس و هرویتس^۳ (۱۹۸۶) در پژوهشی در باره زنان کارآفرین نتیجه می گیرند که انگیزه هایی مانند توفیق طلبی و استقلال طلبی در ایجاد کسب و کار زنان بسیار مؤثر است. هیسریچ و پیترز^۴ (۱۹۸۹) مهمترین ویژگی های شخصیتی زنان کارآفرین را توفیق طلبی، استقلال طلبی، خلاقیت و انعطاف پذیری برمی شمارند و همچنین هیسریچ و براش^۵ (۱۹۸۸) معتقدند که متغیرهایی همانند تجربه قبلی، تحصیلات، مشارکت در کسب و کار، مهارت های مدیریتی، سن، وضعیت تأهل و وضعیت اقتصادی در دوران زندگی، تأثیر قابل توجهی بر موفقیت زنان کارآفرین دارند.

^۱ - kuratko and hodgetts

^۲ - Artobi

^۳ - brockhaus and horwitz

^۴ - hisrich and peters

^۵ - hisrich and brush

۳) روش تحقیق

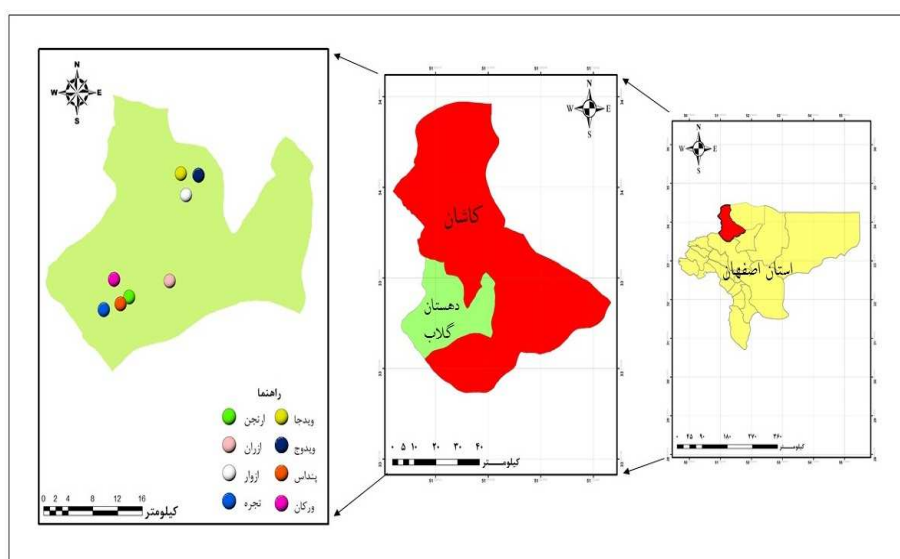
پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری داده‌ها در آن مبتنی بر پرسشنامه است. پرسشنامه تنظیم شده توسط زنان روستای دهستان گلاب شهرستان کاشان تکمیل شد، حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران ۳۳۸ نفر تعیین شد، روایی پرسشنامه با نظرخواهی از صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفته و پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ بررسی شده است که مقدار محاسبه شده ۰/۸۷۷ بوده و نشان‌دهنده انسجام درونی پرسشنامه است. در تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شد. در این پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون کای اسکوتر (خی دو) و آزمون رگرسیون خطی و آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است که بر اساس چگونگی توزیع داده‌ها و نوع متغیرها و جامعه آماری انتخاب شده است. در جدول شماره ۱ مفاهیم و شاخص‌های مربوط به متغیرهای پژوهش تبیین شده است.

جدول شماره (۱): تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

مفهوم	شاخص
موانع فردی- خانوادگی	عدم روحیه ریسک‌پذیری، داشتن مسئولیت‌های خانوادگی، عدم اعتماد به نفس، پائین بودن تحصیلات، عدم توانایی برقراری ارتباط با محیط و دیگران، مخالفت خانواده با کسب و کار، عدم حمایت مالی خانواده
موانع فرهنگی- اجتماعی	عدم امنیت زنان، عدم پذیرش زنان از سوی فرهنگ روستا، سنت‌های نادرست نسبت به زنان، وجود نگرش منفی نسبت فعالیت‌های زنان، محدودیت فعالیت و کار زنان در جامعه و محیط بیرون از خانه
موانع اقتصادی - مالی	فراهم نبودن سرمایه اولیه، عدم دسترسی زنان به اعتبارات دولتی، ناکافی بودن موسسات مالی، عدم حمایت و شراکت سرمایه‌گذاران اقتصادی، عدم حمایت مالی از طرف بانک‌ها و موسسات دولتی
موانع دانشی- مهارتی	عدم دسترسی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشابه، عدم امکان ادامه تحصیل، نداشتن مدرک و مجوزهای فنی و حرفه‌ای
موانع حقوقی - قانونی	لزوم سپردن وثیقه برای تسهیلات، نبود قوانین حذف یا تخفیف معافیت‌های مالیاتی کارآفرینی زنان، عدم پوشش قانونی بیمه برای ریسک‌های اقتصادی کارآفرینان، عدم اطلاع کافی از قوانین و مقررات
موانع محیطی-جغرافیایی	فاصله زیاد روستا از شهرها و بازار فروش، کمبود وسایل حمل و نقل عمومی، مشکلات مختلف رفت و آمد در فصول مختلف سال، پراکندگی روستاها و تنوع جغرافیایی
موانع دسترسی به امکانات	اعتماد کم سرمایه‌گذاران نسبت به کسب و کار زنان، امکان حضور کمتر زنان در جشنواره‌های کارآفرینی، مشکلات نقدینگی راه‌اندازی کسب و کار، عدم دسترسی به بازار فروش محصولات، عدم دسترسی به خدمات توسعه کسب و کار، عدم دسترسی به اعتبارات بانکی.

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

دهستان گلاب با ارتفاع ۱۹۵۰ متر از سطح دریا در استان اصفهان و در جنوب غرب شهرستان کاشان قرار گرفته است. دهستان گلاب یکی از دو دهستان بخش برزک می‌باشد که دارای ۸ روستای مسکونی به نام‌های آرنجن، آزران، ازوار، پنداس، تجره، ورکان، ویدوج و ویدوجا است (بنیاد مسکن شهرستان کاشان، ۱۳۹۳).



شکل شماره (۱): موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

۴ یافته‌های تحقیق

۴-۱ ویژگی‌های فردی پاسخگویان

از بین ۳۳۸ پرسشنامه‌ای که در بین زنان روستایی توزیع گردید از نظر وضعیت تاهل ۱۸/۳ درصد مجرد، ۷۶/۹ درصد متاهل هستند که ۸/۵ درصد سرپرست خانوار هستند. ۹/۳ درصد دارای سابقه کارآفرینی و ۹۰/۷ درصد بدون سابقه کارآفرینی هستند. اکثر زنان کارآفرین مشغول به فعالیت قالی‌بافی هستند. در جدول شماره ۲ وضعیت سنی، شغلی و تحصیلی پاسخگویان مشخص شده است.

جدول شماره (۲): آمار توصیفی جامعه نمونه

وضعیت شغلی		وضعیت تحصیلی		وضعیت سنی	
فراوانی درصدی	نوع شغل	فراوانی درصدی	سطح تحصیلات	فراوانی درصدی	بازه سنی
۲۱/۳	بیکار	۱۱	بی سواد	۲۲/۸	۱۵-۲۵
۴۱/۱	خانه دار	۱۲/۵	ابتدایی	۳۱/۵	۲۶-۳۵
۱۰/۷	کارگر	۱۵/۳	سیکل	۱۹/۲	۳۶-۴۵
۱۸/۵	کشاورز	۳۳/۲	دیپلم	۱۴/۷	۴۶-۵۵
۸/۴	محصل	۱۵/۲	فوق دیپلم	۱۱/۸	۵۶-۶۵
		۱۰/۴	لیسانس		
		۲/۴	فوق لیسانس		

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

جدول شماره ۳ بیانگر میانگین موانع کارآفرینی بر حسب گروه‌های سنی است و حاکی از آن است که در گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال موانع جغرافیایی، فرهنگی - اجتماعی و موانع دانشی - مهارتی بالاترین میانگین را دارا هستند، در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال و ۳۶ تا ۴۵ سال نیز موانعی که ذکر شد در حد

بالاتر از متوسط قرار دارند. این در حالی است که در گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال موانع دانشی - مهارتی بالاترین میانگین (۳/۵) و در گروه سنی ۵۶ تا ۶۵ سال موانع فرهنگی - اجتماعی (۳/۴۵) میانگین بالاتری را داشته‌اند.

جدول شماره (۳): مقایسه میانگین متغیرهای مستقل با گروه سنی

گروه سنی	موانع فردی	موانع دانشی	موانع دسترسی	موانع اقتصادی	موانع حقوقی	موانع فرهنگی
۱۵-۲۵	۳/۱۶	۳/۳۶	۲/۹۸	۳/۲۱	۳/۱۱	۳/۴۰
سال	انحراف استاندارد	۰/۳۵	۰/۵۳	۰/۴۶	۰/۵۷	۰/۴۶
۲۶-۳۵	۳/۱۶	۳/۴۹	۲/۹۸	۳/۱۳	۲/۸۹	۳/۳۸
سال	انحراف استاندارد	۰/۳۶	۰/۵۲	۰/۷۶	۰/۵۴	۰/۵۲
۳۶-۴۵	۳/۰۶	۳/۳۹	۳/۲۲	۳/۲۷	۲/۹۰	۳/۴۶
سال	انحراف استاندارد	۰/۴۰	۰/۵۸	۰/۸۵	۰/۵۵	۰/۵۰
۴۶-۵۵	۳/۰۷	۳/۵۰	۲/۸۶	۳/۱۴	۲/۹۰	۳/۳۰
سال	انحراف استاندارد	۰/۴۳	۰/۷۷	۰/۴۰	۰/۵۸	۰/۶۲
۵۶-۶۵	۳/۱۹	۳/۱۶	۲/۹۷	۲/۹۴	۳/۳۰	۳/۵۰
سال	انحراف استاندارد	۰/۳۴	۰/۵۹	۰/۷۳	۰/۴۱	۰/۴۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

براساس شواهد موجود در ماتریس مندرج در جدول شماره ۴، نتایج آزمون روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته حاکی از آن است که بین متغیرها رابطه معنادار و مستقیم قوی وجود دارد. این بدان معناست که هرچه موانع فردی، محیطی، فرهنگی، دسترسی، حقوقی، اقتصادی و دانشی افزایش یابد، عدم کارآفرینی زنان روستایی نیز افزایش پیدا می‌کند. در این میان موانع دانشی - مهارتی، دسترسی به امکانات و موانع محیطی - جغرافیایی بیشترین شدت همبستگی را با متغیر وابسته داشته‌اند.

جدول شماره (۴): ماتریس متغیرهای مؤثر بر عدم کارآفرینی زنان روستایی

متغیرها	فردی	دانشی	دسترسی	اقتصادی	حقوقی	اجتماعی	جغرافیایی	عدم کارآفرینی
فردی	۱							
دانشی	۰/۰۱۴	۱						
دسترسی	۰/۰۳۵	۰/۰۰۴	۱					
اقتصادی	-۰/۰۵۹	۰/۰۲۰	-۰/۰۱۵	۱				
حقوقی	*۰/۱۱۹	*-۰/۱۰۹	-۰/۰۱۲	*-۰/۱۲۰	۱			
اجتماعی	-۰/۰۷۸	*۰/۱۱۹	-۰/۰۶۰	۰/۰۱۶	-۰/۰۶۶	۱		
جغرافیایی	۰/۰۰۴	۰/۰۸۸	۰/۰۲۷	*۰/۱۱۹	-۰/۰۶۳	-۰/۰۰۷	۱	
عدم کارآفرینی	*۰/۲۶۷	*۰/۴۲۲	*۰/۴۳۶	*۰/۳۵۰	*۰/۳۰۳	*۰/۳۰۲	*۰/۵۱۷	۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

*P < ۰/۰۵

** P < ۰/۰۱

N=۳۳۸

در جدول شماره ۵ نتایج آزمون تی حاکی از تفاوت معنادار در عدم کارآفرینی زنان روستایی بر حسب سرپرست بودن یا نبودن است. بر این مبنا زنانی که سرپرست خانوار نبوده‌اند، میانگین بالاتری را در عدم کارآفرینی داشته‌اند. این بدان معناست زنانی که سرپرست خانوار هستند، گرایش بیشتری به کارآفرین شدن و اشتغال داشته‌اند. در واقع ضرورت اقتصادی باعث شده است تا زنان سرپرست خانوار به نیروهای کار تبدیل شوند.

جدول شماره (۵): تفاوت میان سرپرست خانوار بودن زنان روستایی و عدم کارآفرینی آنان

متغیر	سرپرست خانوار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	درجه آزادی	معناداری
عدم کارآفرینی	بله	۳۰	۳/۱۵	۰/۱۶۵	---	---	---
	خیر	۳۰۸	۳/۲۴	۰/۲۲۲	۲/۸۱۷	۳۹	۰/۰۰۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

نتایج همبستگی بین سطح تحصیلات زنان روستایی و عدم کارآفرینی بر اساس آزمون اسپیرمن نشان داد که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و ارتباط بین متغیرها معنادار است. هر چه میزان تحصیلات بیشتر باشد، عدم کارآفرینی زنان در روستا بیشتر بوده، به طوری که بیشترین میزان عدم کارآفرینی در زنانی که دارای تحصیلات بالاتر هستند، مشاهده شده است. همچنین بیشترین کارآفرینی در زنان با تحصیلات کمتر مشاهده شده است که بیشتر این قشر در زمینه قالی‌بافی به فعالیت مشغول هستند.

جدول شماره (۶): رابطه عدم کارآفرینی با میزان تحصیلات

متغیر	همبستگی اسپیرمن	عدم کارآفرینی زنان
تحصیلات	ضریب همبستگی	۰/۱۸۱
	معناداری	۰/۰۰۱
	تعداد	۳۳۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

۲-۴) مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عدم کارآفرینی زنان روستایی

در تحلیل رگرسیونی برای تبیین و پیش‌بینی متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل، از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. بر این اساس با توجه به تحلیل رگرسیونی، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر میزان عدم کارآفرینی زنان روستایی با استفاده از روش قدم به قدم مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۷).

جدول شماره (۷): عناصر تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش‌بینی عدم کارآفرینی زنان

مراتب ورود متغیرها	متغیرهای وارد شده	R	R^2	R^2 تعدیل شده	اشتباه استاندارد
گام اول	محیطی - جغرافیایی	۰/۵۱۷	۰/۲۶۷	۰/۲۶۵	۰/۱۸۸۳۱
گام دوم	دسترسی به امکانات	۰/۶۶۷	۰/۴۴۵	۰/۴۴۲	۰/۱۶۴۰۷
گام سوم	دانشی - مهارتی	۰/۷۶۷	۰/۵۸۸	۰/۵۸۴	۰/۱۴۱۶۲
گام چهارم	حقوقی - قانونی	۰/۸۶۵	۰/۷۳۴	۰/۷۳۰	۰/۱۱۴۰۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در گام اول، موانع محیطی - جغرافیایی به اندازه ۲۶ درصد از واریانس عدم کارآفرینی زنان را تبیین می‌کند. در مرحله دوم، دو متغیر موانع محیطی - جغرافیایی و دسترسی به امکانات با هم وارد شده‌اند که توانسته‌اند تأثیرات یکدیگر بر روی عدم کارآفرینی را تعدیل نموده و در مجموع ۴۴ درصد از واریانس عدم کارآفرینی را با کمک یکدیگر تبیین نمایند. در گام سوم، موانع دانشی - مهارتی در معادله وارد شده و ترکیب خطی گام سوم ۵۸ درصد از واریانس عدم کارآفرینی را تبیین می‌کند. نهایتاً در مرحله چهارم موانع حقوقی به همراه سه متغیر فوق ۷۳ درصد از واریانس عدم کارآفرینی زنان روستایی را پیش‌بینی نموده است (جدول ۸).

جدول شماره (۸): عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی عدم کارآفرینی زنان

مراتب ورود متغیرها	متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد نشده			ضرایب استاندارد شده	
		B	خطای استاندارد	Beta	T	Sig
گام اول	محیطی	۰/۱۶۲	۰/۰۱۵	۰/۵۱۷	۱۱/۰۶۶	۰/۰۰۰
گام دوم	دسترسی	۰/۱۳۶	۰/۰۱۳	۰/۴۲۲	۱۰/۳۷۵	۰/۰۰۰
گام سوم	دانشی - مهارتی	۰/۱۴۴	۰/۰۱۳	۰/۳۷۹	۱۰/۷۵۲	۰/۰۰۰
گام چهارم	حقوقی - قانونی	۰/۱۳۳	۰/۰۱۰	۰/۳۸۴	۱۳/۴۸۸	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

شاخص‌های آماری برای متغیرهای درون معادله مانند ضریب رگرسیون (B) برای نمرات خام و Beta برای نمرات استاندارد شده را می‌توان دید. آزمون T بیانگر آن است که ضریب B برای همه متغیرها در سطح ۹۹ درصد از لحاظ آماری معنی‌دار است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، موانع محیطی - جغرافیایی اولین متغیری است که وارد معادله شده و با توجه به سطح معناداری ۹۹ درصد، تأثیر مثبت و مستقیمی بر عدم کارآفرینی زنان دارد. دسترسی به امکانات و موانع دانشی - مهارتی متغیرهای بعدی هستند که به ترتیب بعد از موانع محیطی - جغرافیایی وارد معادله شده‌اند که البته موانع محیطی - جغرافیایی در ابتدا دارای تأثیر بالایی بوده و در مراحل بعدی اثرات کمتری داشته است.

۵) نتیجه‌گیری

زنان کارآفرین در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با موانع متعدد و جدی رو به رو هستند که مانع موفقیت آنان در فعالیتهای اقتصادی می‌شود. تأکید بر نقش‌های سنتی زنان و تعهد به حضور در خانه در این کشورها مانع از آن می‌شود که زنان بر توزیع وقت و انرژی خود کنترل داشته باشند و بنابراین به خاطر حضور در بازار کار در ایفای موازی تعهدات کار و خانواده خود با تعارض نقش مواجه هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر عدم کارآفرینی زنان روستایی انجام شده است. نتایج پژوهش بر اساس آزمون همبستگی نشان داد که عوامل مؤثر بر عدم کارآفرینی زنان روستایی در ۷ مقوله دانش - مهارت، فرهنگی - اجتماعی، امکانات، قوانین، اقتصادی، جغرافیایی و فردی - خانوادگی جای می‌گیرند، نتایج آزمون پیرسون حاکی از رابطه معنادار بین عوامل مؤثر مذکور و عدم کارآفرینی است. همچنین نتایج آزمون رگرسیون خطی نشان داد که موانع دسترسی، موانع دانشی - مهارتی و موانع قانونی متغیرهای بعدی هستند که به ترتیب بعد از موانع محیطی - جغرافیایی وارد معادله شده‌اند. نتایج فوق با تحقیقات گلرود (۱۳۸۸)، انصاری و نبی‌پور (۱۳۸۹) و موحدی (۱۳۹۱) همسو بوده و با پژوهش‌های ساریان (۱۳۹۲) و علیدوست و همکاران (۱۳۹۲) ناهمسو می‌باشد، چرا که بر خلاف نتایج رگرسیون، نتایج تحقیقات فوق بر عوامل فردی و خانوادگی و عوامل اقتصادی به عنوان مهم‌ترین موانع کارآفرینی زنان توجه نموده‌اند. همچنین نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین سرپرست خانوار بودن زنان روستایی و عدم کارآفرینی زنان وجود دارد. این بدان معناست که زنانی که سرپرست خانوار بوده‌اند، میانگین بالاتری در کارآفرینی داشته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، بین سن و عدم کارآفرینی زنان روستایی نیز رابطه معناداری وجود دارد، به‌طوری که بیشترین عدم کارآفرینی در زنان ۴۵ سال به بالا و کم‌ترین عدم کارآفرینی در زنان ۱۵ تا ۲۵ سال مشاهده شده است. شاید جالب‌ترین یافته پژوهش این است که بین سطح تحصیلات و کارآفرینی رابطه معناداری وجود داشته به‌طوری که زنان با تحصیلات بالاتر، کارآفرینی کمتری داشته‌اند. این در حالی است که کرومیس (۲۰۰۶) و گاوپن داسمای (۲۰۱۰) پایین بودن سطح تحصیلات و میزان سواد را به عنوان مانعی برای عدم کارآفرینی زنان بر شمرده‌اند. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- نسبت به ارتقاء مهارت زنان روستایی از طرف سازمان فنی و حرفه‌ای اقدامات لازم صورت پذیرد.
- فرهنگ کارآفرینی در بین زنان روستایی از طرف سازمان‌های مربوطه مانند پایگاه مقاومت بسیج و کمیته امداد امام خمینی (ره) ترویج داده شود.
- باتوجه به اهمیت موانع جغرافیایی در کارآفرینی زنان دهستان گلاب، پیشنهاد می‌شود ضمن ایجاد سهولت در برقراری ارتباط اهالی این روستا با شهر، زمینه تبلیغ محصولات آنها در سطح شهرستان فراهم شود.

- ارائه تسهیلات و خدمات به زنان کارآفرین جهت توسعه مراکز کارآفرین تحت پوشش آنها.
- فرهنگ‌سازی و تخصص‌گرایی سازمان‌های آموزشی برای زنان روستایی در زمینه تولید علم به ثروت.

(۶) منابع

- آراستی، زهرا، فریناز فتحی و آرین قلی‌پور، (۱۳۹۱)، ویژگی‌های شخصیتی مؤثر بر قصد کارآفرینانه اجتماعی در کارآفرینان اقتصادی، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۲۷ و ۲۸، صص ۱۷۳-۱۵۳
- امیدوی نجف‌آبادی، مریم و شهره سلطانی، (۱۳۸۵)، کارآفرینی و زنان روستایی، مجله جهاد، شماره ۲۷۲، صص ۵۶-۷۹
- انصاری، منوچهر و مژگان نبی‌پور حقیقی، (۱۳۸۸)، موانع توسعه کارآفرینی زنان کارآفرین، نشریه خردنامه همشهری، شماره ۳۹، صص ۱۰۳-۸۴
- ایمانی جاجرمی، حسین و پیمان پور رجب میاندوآب، (۱۳۸۹)، سنجش و تحلیل ویژگی‌های کارآفرینی دهیاران با تأکید بر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۱، صص ۹۹-۶۷
- بارگاهی، رضا، غلامرضا خوشفر و شهاب کرمی، (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی و پایداری شهری، فصلنامه مطالعات شهری، مقاله ۳، دوره ۲، شماره ۸، صص ۴۶-۳۱
- برومند نسب، مسعود، حسین شکرکن، بهمن نجاریان و منیجه شهنی، (۱۳۸۱)، بررسی رابطه ساده و چندگانه وضعیت خلاقیت، انگیزه پیشرفت، خلاقیت، مخاطره‌جویی، جایگاه مهارت و عزت‌نفس با کارآفرینی در دانشجویان شهید چمران اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره ۹، شماره ۴-۳، صص ۲۴-۱
- بنیاد مسکن کاشان، (۱۳۹۳)، طرح هادی روستاهای دهستان گلاب.
- پاسبان، فاطمه، (۱۳۸۳)، نقش زنان کارآفرین در توسعه روستایی کشورهای در حال توسعه، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها، تهران، موسسه توسعه روستایی ایران.
- حیدری ساربان، وکیل، (۱۳۹۳)، اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی با روش AHP، مجله مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۷۷-۱۵۹
- خانی، فضیله و سمیه سادات موسوی، (۱۳۹۴)، تحلیل جنسیتی در فرآیند پخش کارآفرینی در مناطق روستایی مورد دهستان سولقان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، پیاپی ۱۴، صص ۱-۲۲
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حمدالله سجاسی، (۱۳۹۳)، توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دوم.
- رنجبریان، رسول، (۱۳۹۰)، زنان، مشارکت و کارآفرینی، نشریه کار و جامعه، شماره ۱۳۳، صص ۹۳-۸۴

- زالی، محمدرضا، سید مصطفی رضوی، جهانگیر ید الهی، و اسدالله کردنائیج، (۱۳۸۹)، *ارزیابی وضعیت کارآفرینی در ایران*، چاپ اول، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- سجاسی قیداری، حمدالله، حمید شایان و زهرا نوربخش رزمی، (۱۳۹۴)، *تحلیل نقش کارآفرینی فعالیت‌های غیرکشاورزی در ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان مورد: روستاهای بخش شاندیز شهرستان بینالود*، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۱۲، صص ۷۶-۵۵.
- سعیدی کیا، مهدی، (۱۳۸۸)، *اصول و مبانی کارآفرینی*، انتشارات کیا، چاپ چهاردهم.
- سلجوقی، خسرو، (۱۳۸۸)، *فرهنگ کارآفرینی، کارآفرینی فرهنگی، اهمیت، ضرورت و جایگاه*، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۷۵-۵۸.
- شریفی، امید و محسن عادل، (۱۳۹۰)، *تحلیل عاملی موانع موجود در زمینه کارآفرینی زنان کشاورز منطقه جیرفت. کهنوج*، مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۱۲.
- صابر، فیروزه، (۱۳۸۵)، *راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران*، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- صفری علی اکبری، مسعود و حجت اله صادقی، (۱۳۹۶)، *تحلیل عوامل زمینه ساز ایجاد و رشد کارآفرینی روستایی در بخش دهدز در شهرستان ایذه*، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۲۰، صص ۱۱۸-۹۷.
- علی‌دوست، سمیه، فرهاد لشگرآرا و جمال فرج‌اله حسینی، (۱۳۹۱)، *اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار*، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۲۱، صص ۱۷-۷.
- گلرود، پروانه، (۱۳۸۴)، *عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی*، پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۰۱.
- ملک‌پور، علی و امید علی احمدی، (۱۳۹۰)، *شهر و تکاپوی کارآفرینی: زمینه‌ها، موانع، راهکارها و فرصت‌های توسعه کارآفرینی*، موسسه بین‌المللی پژوهشی فرهنگی هنری جامعه و فرهنگ.
- منصوری، حبیب‌اله، (۱۳۸۸)، *بررسی نقش کارآفرینی در مدیریت شهری و توسعه شهری نورآباد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنما: علی موحد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- یعقوبی فرآنی، احمد و رضا موحدی، (۱۳۹۱)، *بررسی و تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی*، کار و جامعه، شماره ۱۴۲، صص ۵۰-۳۸.
- Cronies, s, (2006). **Understandsding enterprise, enterepreneurship and small. Business**, macmillan, Macimllan, Basingstoke, (5): pp 243-246.
- Govindasamy, T. (2010). **Critical success factors of successful India entrepreneurs in the Tshwane metropolitan area. A research project**, Gordon Institute of Business science, University of Pretoria, Master of Business Administration.
- Mair, J. & Martí, J. (2006). **“Social entrepreneurship research: A source of explanation, prediction, and delight**, Journal of World Business, 41(1): pp 36- 44.

- Pache, A. C. & Chowdhury, I. (2012). **“Social entrepreneurs as institutionally embedded entrepreneurs: Toward a new model of social entrepreneurship education**, Academy of Management Learning & Education. 11 (3): pp 494 - 510.
- Razavi, S.M. Asadi, M. Esfandabadi, H.M. & Ekbatani, H. (2014). **“Design Patterns Barriers to Social Entrepreneurship: An Application of Grounded Theory**, Research on Humanities and Social Sciences, 4(16): pp 6-15.
- Seymour, Nicole, (2001), **'Women entrepreneurs in the developing world'**, Center for Entrepreneurial Leadership, Clearinghouse on Entrepreneurship Education.
- Srithan.R. Anitha.D. pharm, (2013), **Problem Being Faced by Woman Entrepreneurs in Rural Areas**, The International Journal of Engineering and Science, Volume 2, Issue 2, pages, pp 52-55.
- Wendy, T. & Chong, s, (2007). **Theorizing a framework of woman entrepreneur's factors in malaysia**, Asia Entrepreneurship and sustainability, (5): pp 42-46.